



شیخ اشراق در مناجات با خدا بیانی حکیمانه و ذوقی دارد

یک پژوهشگر فلسفه و منطق گفت: سهروردی نخستین فیلسوفی است که مناجات با خدا را باب کرد و بیان وی هم بیانی حکیمانه و متذوقانه است.

یک پژوهشگر فلسفه و منطق گفت: سهروردی نخستین فیلسوفی است که مناجات با خدا را باب کرد و بیان وی هم بیانی حکیمانه و متذوقانه است.

به گزارش خبرنگار مهر، در آستانه روز بزرگداشت سهروردی، نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه ۳۱ تیر به بررسی نوآوری‌های سهروردی در فلسفه و منطق اختصاص داشت که با حضور دکتر ضیاء موحد و دکتر سیدمحمود یوسف‌ثانی و دکتر علی اصغر محمدخانی در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

سیدمحمود یوسف‌ثانی در ابتدای سخنانش به منطق ماده از نظر سهروردی اشاره کرد و گفت: منطق از دو بخش صورت و ماده تشکیل شده که من قسمت دوم را بررسی می‌کنم. مباحث منطقی به دو بخش صورت و ماده تقسیم می‌شوند که حکمت الهی هم این بوده است. ماده گاهی در مقابل معنا و گاهی در مقابل صورت است. منطق همان گونه که درباره صورت استدالات صحبت می‌کند درباره ماده آن نیز بحث می‌کند.

وی با بیان اینکه منطق ماده ۵ بخش دارد که بر اساس هدف منطقدان ۵ نوع استدلال به کار می‌رود، گفت: این ۵ نوع به نام صناعات خمس به کار می‌رود که همه نیز از ارسطو نیست؛ نخست صنعت برهان که بسته به هدف فرد از برهان تعریف می‌شود چراکه ما در برهان به دنبال کشف حقیقت هستیم و باید از مواردی استفاده کرد و به دنبال حقیقت رفت. دوم صنعت جدل است که هدفش قانع کردن طرف مقابل با بحث و جدل است. سوم صنعت خطابه است که هدفش اقناع مخاطب است. چهارم صنعت مغالطه است که هدفش به غلط انداختن طرف مقابل است و نهایتاً صنعت شعر.

وی ادامه داد: حال این سوال مطرح است که ما در هر یک از این صنایع باید از چه ماده‌ای استفاده کنیم که به هدف آن برسیم. اول باید مضامین و محتوای قضایا را به دسته‌ها تقسیم کرد. در صنعت برهان مواد به ۶ قسم تقسیم می‌شوند که سهروردی در بین مواد و قضایا عمدتاً به دو ماده برهان و شعر می‌پردازد.

یوسف‌ثانی گفت: معلوم است که این دو صنعت برای او از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. سهروردی در بسیاری از مواقع سعی دارد که کثرت مواد صنعتی را کم کند و آنها را به وحدت برساند. کار اول وی در زمینه کم کردن کثرات برهان از ۶ قسم به دو قسم است. حدسیات، مجربات و متواترات را در یک قسم حدسیات جمع می‌کند. سهروردی معتقد است که در هر سه امر کثرتی ایجاد می‌شود که محتوای قضیه را به کلی عوض می‌کند و باید آنها را در یک قسم که همان حدسیات است خلاصه کنیم. وی افزود: شیخ اشراق می‌گوید ما به اولویات، حدسیات و مشاهدات نیاز داریم. کار دیگر شیخ اشراق درباره ماده شی است. مخیلات ماده شعر است. تخیل است که شعر را شعر می‌کند. خیال انگیزی جملات است که شعر را شعر می‌کند، فارغ از این‌که وزن داشته باشد یا نداشته باشد. ارسطو کلام خیال انگیز را شعر می‌داند. فلاسفه معتقدند در بین مواد قضایا کم اهمیت‌ترین ماده مخیلات است. چرا که ایجاد تصدیق نمی‌کند در صورتی که رغبت یا نفرت به چیزی را در ما ایجاد می‌کند. سهروردی در برخی از مواقع بر عکس شعر و تخیلات را دارای بالاترین درجه اهمیت می‌داند. سهروردی حرف‌های عجیبی درباره منطق مخیلات دارد.

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران گفت: سهروردی در پاسخ به این سؤال که چرا تا این اندازه به مخیلات ارزش می‌دهد ساکت می‌شود و می‌گوید دلیلی ندارد که آدم هر آنچه می‌داند بیان کند. اما عالم مثال چه کارکردی برای شیخ اشراق دارد؟ در قسمت‌هایی از آثارش اشاره کرده که چگونه خیال انسان را به عالم مثال مرتبط می‌شود که موفق به کشف طبقه‌ای از احوال و رویای انسان می‌شود. به نظر می‌رسد توضیح و توجیه بسیاری از چیزهایی که در عرفان، هنر و دین به آن نائل شدند ناشی از اتصال آنها با عالم مثال یا ملاحظه صورت‌هایی است که در این عالم وجود دارد و آنها با ابزارهایی موفق به ارتباط با آن عالم می‌شوند و حقایقی را از آن دریافت می‌کنند. به نظر می‌رسد آنجایی که بیشتر اهمیت دارد پیوند زدن بین برخی از حقایق دینی با عالم مثال و خیال است.